

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی

Legal Analysis of the Impact of Criminal History Records
on the Registration Process of Candidates for the Iranian
Islamic Consultative Assembly

Authors: Aminollah Zamani | Ali Haji Hoseini

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2025.247886.3723>

تحلیل حقوقی تأثیر پیشینه کیفری بر فرآیند ثبت نام
داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی

نویسندگان: امین‌اله زمانی | علی حاجی حسینی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2025.247886.3723>

Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.



Legal Analysis of the Impact of Criminal History Records on the Registration Process of Candidates for the Iranian Islamic Consultative Assembly

Aminollah Zamani • Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology,
Faculty of Crime Prevention and Correctional, University of Judicial Sciences and
Administrative Services, Tehran, Iran. (Corresponding Author) zamani@ujsas.ac.ir

Ali Haji Hoseini • PhD Student in Public Law, Faculty of Law and Political Sciences,
University of Tehran, Tehran, Iran. hajihosseini.ali@ut.ac.ir

Abstract

Context & Objective: The Islamic Republic of Iran's legislator has established specific criteria for determining the eligibility of candidates running for the Islamic Consultative Assembly (*Majlis*). Among these criteria, the "criminal history records" of candidates play a pivotal role in the registration process and the assessment of their qualifications. Despite the existence of regulations regarding criminal history records, significant ambiguity remains in both their definition and the extent of their impact on the electoral process. This ambiguity has led to inconsistent interpretations among the relevant authorities and bodies responsible for determining candidate eligibility. The primary objective of this study is to explore and clarify the influence of criminal history records on the registration process for *Majlis* candidates and to examine the legal implications of such records in the electoral framework. The research aims to answer the question of how criminal history records impact the registration process and the determination of eligibility for candidacy in Iranian parliamentary elections.

Method & Approach: This study adopts a doctrinal approach, focusing on an in-depth analysis of the relevant laws and regulations related to criminal history records and their influence on the registration of candidates for the *Majlis*. The authors conduct a detailed review of the legal framework, including criminal and electoral laws in Iran, and provide a new classification of the impact of criminal history records on the electoral process.



Findings: The study reveals that the redefinition of criminal history records within Iranian criminal and electoral laws plays a critical role in shaping the registration process for candidates. It finds that criminal history records, depending on their nature, can temporarily or permanently disqualify an individual from running for the *Majlis* during the registration phase. This finding highlights the significant impact of criminal history on candidates' ability to stand for election and the need for clearer legal definitions regarding criminal history records in the context of Iranian elections.

Conclusion: The paper emphasizes the importance of redefining criminal history records in Iranian law to ensure greater clarity and consistency in the registration process for *Majlis* candidates. By providing a more precise legal framework, the study advocates for the establishment of a clear and transparent system for assessing the impact of criminal history on candidacy. The findings underline the need for further legal reforms to address the ambiguity surrounding criminal history records and their effect on the electoral process, contributing to a more just and equitable electoral system.

Keywords: Islamic Consultative Assembly Elections, Social Rights, Supplementary Punishments, Criminal History Records.



تحلیل حقوقی تأثیر پیشنهاد کیفری بر فرآیند ثبت‌نام داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی

امین‌اله زمانی • استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و تربیت، دانشگاه علوم

zamani@ujsas.ac.ir

قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

علی حاجی‌حسینی • دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

hajihosseini.ali@ut.ac.ir

چکیده

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران، شرایطی را برای تعیین صلاحیت داوطلبان تصدی نمایندگی مجلس شورای اسلامی تعیین کرده است. در فرآیند انتخابات، «پیشینه کیفری» داوطلبان در روند ثبت‌نام و همچنین تشخیص صلاحیت آنان به‌عنوان یکی از شرایط پیش‌گفته تأثیر اساسی دارد. هر چند در خصوص پیشینه کیفری قواعدی وضع شده است، اما ابهام جدی در مفهوم و میزان تأثیر پیشینه کیفری در فرآیند انتخابات، موجب تشتت اساسی نظرات نهادهای مرتبط و مراجع تعیین صلاحیت داوطلبان شده است. نگارندگان در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی سعی کرده‌اند که با تدقیق در قوانین و مقررات مرتبط و ارائه طبقه‌بندی جدید، تأثیر پیشینه کیفری داوطلبان را در فرآیند «ثبت‌نام» مورد سنجش و بررسی حقوقی قرار داده، و تأثیر پیشینه کیفری بر تشخیص صلاحیت داوطلبان را به‌مجالی دیگر واگذار نمایند. یافته‌های پژوهش نمایان‌گر است که با بازتعریف پیشینه کیفری در قوانین جزایی و انتخاباتی، پیشینه کیفری به‌صورت موقت یا دائم می‌تواند مانع از داوطلبی نمایندگی مجلس در مرحله ثبت‌نام باشد.

واژگان کلیدی: انتخابات مجلس شورای اسلامی، حقوق اجتماعی، مجازات‌های تکمیلی، پیشینه کیفری.



مقدمه

انتخابات به‌عنوان مهم‌ترین عرصه حضور مردم در صحنه تصمیم‌گیری برای تعیین سرنوشت خویش در جوامع مردم‌سالار شناخته می‌شود. در نتیجه، انتخاب نامزدهای مورد نیاز برای تصدی مسئولیت‌ها، اهمیتی معادل تعیین آینده هر نظام و مملکت را دارد که از طریق رأی دادن محقق می‌شود و رأی‌دهنده با این عمل حقوقی و سیاسی که با آن نماینده یا نمایندگان انتخاب می‌شوند، در اداره امور سیاسی جامعه خود مشارکت می‌کند. انتخابات مهم‌ترین تجلی مردم‌سالاری و شاخصی برای میزان نقش‌آفرینی مردم در نظام‌های سیاسی امروزی است که از طریق آن، اراده مردم در شکل‌گیری نهادهای اساسی، مقامات و تصمیم‌گیری در امور اجرایی و اقتصادی خود اعمال می‌شود (عباسی و جعفری، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۵).

در میان موضوعات و مراحل جریان انتخابات، بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات از اهمیت بسزایی برخوردار است. وجود نظام نظارتی قدرتمند و بی‌طرف بر داوطلبی، از طرفی ضامن تنوع اندیشه‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی، برابری و رقابتی بودن مشارکت سیاسی در انتخابات می‌شود و از طرف دیگر، مانع ورود اشخاص فاقد شرایط قانون و همچنین، افزایش غیرمنطقی داوطلبان می‌شود (یاوری، ۱۳۹۶، ص. ۱). براین اساس، بررسی شرایط حضور داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی باید مبتنی بر ضوابط و اصول خاصی باشد. در این ارتباط، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نظارت بر بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس در انتخابات، بررسی وضعیت پیشینه کیفری داوطلب است.

یکی از سؤال‌های مهم در فرایند بررسی صلاحیت داوطلبان آن است که آیا پیشینه کیفری و عنوان مجرمانه ارتكابی از سوی داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی، تأثیری بر ثبت‌نام آن‌ها در فرایند انتخابات دارد یا خیر؟ در صورتی که پاسخ به سؤال پیش‌گفته مثبت باشد، ابهام بعدی آن است که تأثیر پیشینه کیفری بر صلاحیت فرد برای ثبت‌نام در انتخابات تا چه حد و میزان خواهد بود؟ رفع ابهام و ایجاد شفافیت در تأثیر پیشینه کیفری در فرایند انتخابات مجلس شورای اسلامی و جلوگیری از تشتت نظرها میان نهادهای مرتبط یا مراجع تعیین‌کننده صلاحیت، مهم‌ترین ضرورت این پژوهش است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد تحقیقاتی در ارتباط با پیشینه کیفری یا محرومیت از حقوق اجتماعی از منظر حقوق کیفری انجام شده است که از جمله این موارد می‌توان به کتاب‌های مرجع حقوقی از قبیل حقوق جزای عمومی دکتر اردبیلی و مقالاتی

چون «مطالعه تطبیقی نهاد سجل قضایی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه» نوشته پورقهرمانی و تیموری (۱۴۰۱) و «بررسی سجل کیفری و عدم سوء پیشینه در حقوق ایران» نوشته شریفی و رجبیه (۱۳۹۵) اشاره کرد، لیکن پژوهش مستقلی در خصوص تأثیر پیشینه کیفری بر صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی و فرایند انتخابات انجام نشده است؛ ضمن اینکه تصویب قانون جدید انتخابات مجلس شورای اسلامی و تعارض ظاهری میان بند ۸ ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲ با ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بر تمایز و جدید بودن موضوع این مقاله افزوده است. پیشینه کیفری گاه در بررسی صلاحیت داوطلب مؤثر نیست و گاه نیز باعث محرومیت دائم فرد یا منجر به محرومیت موقت فرد در ثبت‌نام داوطلبی می‌شود. بنابراین، محرومیت از حقوق اجتماعی داوطلبی در انتخابات یکی از مصادیق واکنش جامعه در مقابل بزهکاری است. بدین معنا که افراد در اثر محکومیت کیفری نسبت به برخی از جرائم، با توجه به جایگاه نمایندگی مجلس شورای اسلامی، به صورت دائم یا موقت از داوطلبی محروم می‌شوند.

۱. مفاهیم

۱.۱. تشخیص صلاحیت

صلاحیت در لغت و در واژه‌نامه‌های حقوقی به معنای «اختیار صورت دادن کارها برای مأمور رسمی در حدود قانون» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص. ۴۴۸) تعبیر شده است. تشخیص صلاحیت در اصطلاح ادبیات انتخاباتی، «تطبیق و احراز شرایط قانونی نمایندگی مجلس شورای اسلامی با وضعیت داوطلبان است. بررسی صلاحیت کاندیداها فرایندی است که طی آن، افراد واجد شرایط قانونی توسط مراجع ذی صلاح مشخص می‌شوند و شرایط انتخاب‌شوندگان با متقاضیان ورود به پارلمان تطبیق داده می‌شود» (خسروی، ۱۳۸۷، ص. ۷۲۱). این صلاحیت تنها ناظر بر بررسی شایستگی‌های اولیه داوطلبان برای تصدی نمایندگی مجلس شورای اسلامی است و نافی صلاحیت و اهلیت آن‌ها برای سایر مناصب و جایگاه‌ها نخواهد بود. در همین راستاست که

قانون‌گذار در ماده ۵۸ قانون انتخابات مجلس^۱ بر پاسخ‌دهی مراجع استعلام‌شونده در خصوص سوابق داوطلبان تنها نسبت به شرایط مذکور در قانون انتخابات تأکید کرده و پاسخ استعلام غیرمرتبط با شرایط مقرر در قانون را مستوجب مجازات دانسته است.

بررسی صلاحیت‌های داوطلبان مجلس شورای اسلامی باید مبتنی بر اصول و قواعد خود صورت پذیرد. اصل حاکمیت قانون، حق استماع دفاعیات، مستند و مستدل بودن و اصل عدم صلاحیت از زمره این اصول هستند. اصل حاکمیت قانون به معنای تبعیت کلیه امور از جمله امور عمومی کشور از قانون و مقررات است (منصوری‌نیا، ۱۴۰۰، ص. ۸۷۵). این اصل تأکید دارد که رفتارها و تصمیمات مقامات عمومی و اداری باید در چهارچوب قوانین و مقررات انجام و اتخاذ شود که نتیجه آن، پاسخ‌گویی کلیه مسئولان و شهروندان در برابر قانون، مردم و حاکمیت است (هاشمی، ۱۳۸۴، ص. ۴۷۴). بر اساس این اصل و تأکید اصل ۵۲ قانون اساسی^۲، مراجع تعیین‌کننده صلاحیت و شرایط نمایندگی مجلس نیز در قانون به‌ویژه در مواد ۳۱ تا ۳۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲ تبیین شده است. مطابق اصل ۹۹ قانون اساسی و همچنین، ماده ۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲، نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی بر عهده شورای نگهبان است که این نظارت نیز بر اساس نظر تفسیری شماره ۱۲۷۴ مورخ ۱۳۷۲/۷/۱، استصوابی و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید یا رد صلاحیت کاندیداها می‌شود، لیکن قانون‌گذار در فرایند انتخابات، احراز و تطبیق برخی از این شرایط را که بیشتر شرایط عینی و شکلی است، به‌صورت ابتدایی بر عهده نهادهای ذی‌ربط دیگر

۱. ماده ۵۸: وزارت کشور و شورای نگهبان به‌منظور بررسی سوابق داوطلبان در رابطه با شرایط مندرج در این قانون، روزانه اطلاعات کامل ثبت‌نام داوطلبان را حسب مورد به مراجع ذی‌صلاح از جمله وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان ثبت احوال کشور، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و قوه قضائیه ارسال می‌کنند. مراجع مزبور مکلف‌اند ظرف مهلت ده روز نسبت به ارسال پاسخ در خصوص هریک از افراد اعلام‌شده به‌صورت مکتوب و مستدل به همراه اسناد و مدارک اقدام نمایند. پاسخ مراجع مزبور باید تنها ناظر به وجود سوابق در خصوص شرایط مذکور در قانون باشد. مراجع مزبور مکلف‌اند در صورتی که هریک از داوطلبان فاقد هرگونه سابقه‌ای نزد آنان باشد، در پاسخ ارسالی، نسبت به این موضوع تصریح کنند.

۲. اصل ۵۲: مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

نیز قرار داده است (در این پژوهش بر عهده قوه قضائیه) و شورای نگهبان به صورت غالب بر شرایط ماهوی و کیفی نمایندگی که بعد از فرایند ثبت نام داوطلبان است، نظارت دارد.

بر اساس اصل استماع دفاعیات، هیچ‌کس را نمی‌توان محکوم کرد مگر اینکه فرصت معقولی به وی داده شود تا دلایل و دعاوی خود را مطرح کند (گرجی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۳). حق بر استماع از جمله حقوقی است که مقامات حکومتی در اعمال صلاحیت‌های خود باید آن را مدنظر قرار دهند (رضایی‌زاده و داوری، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۳). داوطلب نمایندگی باید بتواند در صورتی که صلاحیت وی احراز یا تأیید نشود، در زمان مناسب توضیحات و دفاعیات خود را به مقام تعیین‌کننده صلاحیت ارائه کند. این موضوع در مواد ۶۲ و ۶۴ قانون انتخابات مجلس و تبصره ۲ قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت‌شده در انتخابات مختلف مصوب ۱۳۷۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد توجه قرار گرفته است.

مستند و مستدل بودن بررسی صلاحیت داوطلبان بدان معناست که این فرایند باید «بر اساس مدارک و اسناد معتبر» باشد.^۱ رسیدگی بر اساس مدارک و اسناد معتبر موجب بررسی عادلانه و نشانه‌ای است که تصمیم‌های دولتی یا نظرات مراجع ذی‌ربط در بررسی صلاحیت بر اساس دادرسی و معیارهای قانونی و فارغ از هرگونه تصمیم شخصی و در نتیجه، رعایت اصل بی‌طرفی است (زارعی، ۱۳۷۶، صص. ۳۷ و ۳۸). این موضوع باید مبتنی بر معیارهای عینی و کمی و به‌گونه‌ای شفاف باشد تا امکان برداشت‌های مختلف در این خصوص وجود نداشته باشد (منصوریان و باقری خوزایی، ۱۴۰۳، ص. ۲).

۲.۱. فرایند انتخابات

انتخابات در نظام‌های مردم‌سالار به عنوان شیوه‌ای مشروع و قانونی مبتنی بر اراده عمومی برای چرخش قدرت و اداره کشور است (عباسی لاهیجی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۳۰)، اما تاکنون تعریف دقیقی از خود فرایند انتخابات ارائه نشده است. فرایند انتخابات را می‌توان مبتنی بر معیارهای متفاوت تعریف و شناسایی کرد. فرایند انتخابات را می‌توان حسب عنصر «زمان» به صورت مضیق و موسع تبیین کرد. در تعریف زمانی مضیق - که متبادر عرفی و مرسوم در برخی

۱. تبصره ماده ۶۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲.

از گفته‌ها و نوشته‌های رسمی است - فرایند انتخابات ناظر به روز و زمان رأی‌گیری و شمارش آرا و نتیجه اولیه انتخابات است. تعریف موسع، فرایند انتخابات را مجموعه و رشته‌ای از اقدامات قانونی می‌داند که در طول زمان برای هدف نهایی انتخابات یعنی تثبیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی جریان دارد. فرایند انتخابات در دیدگاه موسع را می‌توان بر اساس عناصر متفاوت در آن به شکل‌های مختلف تعریف کرد. از منظر عنصر «زمان معطوف به هدف» می‌توان مبدأ فرایند انتخابات را زمان اعمال اولین اقدام قانونی و مؤثر در فرایند انتخابات یعنی استعفای مشمولان ماده ۳۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی تا آخرین فرایند آن یعنی تصویب اعتبارنامه منتخبان در مجلس شورای اسلامی دانست. باین‌حال، شاید بتوان به استناد ماده ۵۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی^۱ - که در آن وزیر کشور را موظف به صدور دستور «شروع فرایند انتخابات» کرده است - مبدأ فرایند انتخابات در تعریف پیش‌گفته را تاریخ شروع ثبت درخواست متقاضیان انتخابات دانست که حداقل ۷۰ و حداکثر ۱۱۰ روز قبل از شروع ثبت‌نام الکترونیکی موضوع ماده ۵۳ قانون انتخابات در هر دوره از انتخابات است.^۲ به نظر می‌رسد قانون‌گذار معتقد است که ثبت رسمی تقاضای بررسی مدارک اولیه از سوی افراد، مرحله‌ای همه‌شمول، عینی‌تر و قابل‌اتکاتر از مرحله استعفای مشمولان ماده ۳۲ برای مبدأ فرایند انتخابات است. از منظر عنصر «اعمال حق انتخاب شدن»، فرایند انتخابات از زمان اطلاق تعریف «متقاضی» تا «نماینده‌گی» است. در این تعریف، فرایند انتخابات بر چهار مرحله استوار است (قیصری و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۲۴). در مرحله اول، اشخاصی که تصمیم اولیه برای اعمال حق انتخاب شدن را با ثبت درخواست خود مطابق ماده ۵۴ قانون انتخابات اتخاذ می‌کنند، «متقاضی» نامیده می‌شوند. مرحله دوم شامل اشخاصی است که شرایط اولیه مرحله اول را کسب کرده‌اند و با ثبت‌نام مطابق ماده ۵۳ قانون انتخابات، به‌عنوان «داوطلب» در فرایند انتخابات حاضر می‌شوند. مرحله سوم پس از تأیید

۱. «وزیر کشور موظف است حداقل ۷۰ و حداکثر ۱۱۰ روز قبل از شروع ثبت‌نام الکترونیکی موضوع ماده ۵۳ این قانون، دستور شروع فرایند انتخابات را صادر کند».

۲. در انتخابات مجلس دوازدهم و در تأیید این نظریه، بخش‌نامه وزارت کشور که در سایت این وزارتخانه قرار گرفته بود، زمان شروع فرایند انتخابات را ۱۵ مرداد دانسته بود:

صلاحیت نهایی داوطلب آغاز می‌شود که به او «نامزد» گفته می‌شود.^۱ در صورتی که نامزد در کارزار انتخابات، آرای لازم را برای کرسی نمایندگی کسب کند، «منتخب» نامیده می‌شود.^۲ (مرحله چهارم). در پایان با تصویب اعتبارنامه منتخب در مجلس شورای اسلامی، حق انتخاب شدن با عنوان «نماینده» استیفا خواهد شد.

فرایند انتخابات را می‌توان از منظر رأی‌دهندگان یا طرف‌داران نیز به صورت «عرفی» تعریف کرد و آن را شامل شروع تبلیغات انتخابات تا اعلام صحت انتخابات در حوزه انتخابیه دانست. از منظر «اقدامات قانونی» فرایند انتخابات را می‌توان شامل مراحل اجرایی آن یعنی ثبت تقاضا (پیش‌ثبت نام)، تشکیل هیئت‌های اجرایی و نظارت، ثبت نام از داوطلبان، بررسی صلاحیت داوطلبان، تبلیغات و فعالیت‌های انتخاباتی، رأی‌گیری و شمارش آرا، تأیید صحت انتخابات و تصویب اعتبارنامه منتخبان دانست. از نظر نگارندگان، فرایند انتخابات از زمان صدور دستور شروع انتخابات از سوی وزارت کشور تا زمان تصویب اعتبارنامه منتخبان در مجلس شورای اسلامی است.

۳.۱. پیشنهاد (سجل) کفّری

سجل کفّری در لغت به معنی عهدنامه، نامه احکام، نامه‌ای که قاضی در آن صورت دعاوی و حکم و اسناد را نویسد، است (معین، ۱۳۸۷، ص. ۵۳۷). از جهت حقوقی سجل کفّری همان شناسنامه کفّری است که در آن پیشنهاد و سوابق ارتکاب جرم یا محکومیت کفّری یا مدنی اشخاص ثبت می‌شود. به عبارت دیگر، سجل کفّری شناسنامه هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی در رابطه با وضع قضایی خودش است (پورقهرمانی و تیموری، ۱۴۰۱، ص. ۶۳). «این سجل، امکانی را به صاحب منصبان قضایی می‌دهد که با شناخت شخصیت بزهکار، در تطبیق مجازات متناسب، تخفیف، تشدید یا تعلیق مجازات وی تدابیر شایسته اتخاذ کنند و مقامات و مسئولان کشوری را

۱. مستفاد از ذیل ماده ۶۴ قانون انتخابات که اشعار می‌دارد «... تنها داوطلبانی که صلاحیت آن‌ها تأیید شده است، می‌توانند به عنوان نامزد خود را در معرض انتخاب شدن برای نمایندگی قرار دهند».

۲. مستفاد از مواد مختلف (مانند مواد ۹، ۹۸ و ...) و از جمله بند ب ماده ۴ قانون انتخابات که اشعار می‌دارد «ب- اعتبارنامه منتخبین به تصویب مجلس نرسد».

در تشخیص صلاحیت افراد در امکان ورود به برخی مشاغل کمک خواهد کرد» (شریفی و رجبیه، ۱۳۹۵، ص. ۲۶). مفهوم خاص دیگر مرتبط با پیشینه کیفری، «سوء پیشینه کیفری» است. سوء پیشینه کیفری عنوان عرفی مفهوم «محکومیت کیفری مؤثر» در قانون مجازات اسلامی است. مطابق تبصره ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «محکومیت کیفری مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم بر اساس ماده ۲۵ این قانون، از حقوق اجتماعی محروم می‌کند». این محکومیت‌ها نیز مشتمل بر محکومیت‌های قطعی در جرائم عمدی موضوع بندهای الف، ب و پ ماده ۲۵ قانون مذکور است.

۴.۱. حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی در تعریف حقوقی خود، «حقوقی [است] که مقنن برای اتباع خود در روابط با مؤسسات عمومی مقرر داشته است مانند حقوق سیاسی، حق استخدام، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس مقننه و انجمن ایالتی و ولایتی و بلدی و در هیئت منصفه، ادای شهادت در مراجع رسمی، داوری و مصدق واقع شدن» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۲۳۰). از جهت قانونی نیز قانون‌گذار مصادیق حقوق اجتماعی را در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین کرده است. در این مقاله، معنای عام پیشینه کیفری که اعم از سوء پیشینه کیفری است، مورد بررسی و مدنظر خواهد بود. سلب حقوق اجتماعی ناشی از محکومیت کیفری مؤثر می‌تواند به صورت موقت یا همیشگی باشد.

داشتن حقوق اجتماعی مستلزم این است که هر فرد، فاقد سوء پیشینه کیفری باشد و در این باره باید گواهی نداشتن سوء پیشینه ارائه کند. بر اساس ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، «بعد از محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده، محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند». بنابراین، از جمله تبعاتی که داشتن سوء پیشینه یا سوء سابقه کیفری برای افراد به دنبال خواهد داشت، سلب صلاحیت از برخی از امور است. محرومیت از حقوق اجتماعی از مصادیق مجازات سالب حق است که مقنن آن را در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی عنوان کرده است.

۵.۱. محرومیت از حق اجتماعی داوطلبی مجلس شورای اسلامی (محکومیت مؤثر)

وفق تبصره ۲ ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی و متفاوت از سایر محرومیت‌های اجتماعی، در

صورت ارتکاب جرائم موضوع ماده ۲۵ همین قانون، مرتکب برای همیشه از داوطلبی مجلس محروم خواهد شد. بنابراین، ارائه سوء پیشینه توسط نامزدهای انتخاباتی به هیئت‌های بررسی‌کننده صلاحیت و شورای نگهبان غلط مصطلحی است که در این ارتباط اتفاق می‌افتد. در واقع، در این ارتباط، با توجه به اهمیت جایگاه مذکور، مقنن تربیتی اتخاذ کرده است که مرتکب در ارتباط با امکان نمایندگی مجلس شورای اسلامی، نتواند حق اجتماعی خود را بازیابی کند.

۲. تأثیر پیشینه کیفری بر فرایند انتخابات

پیشینه کیفری موضوع مرتبط با سوابق و شناسنامه کیفری اشخاص حقیقی یا حقوقی است. اشخاص حقیقی که در فرایند انتخابات نقش دارند شامل انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان می‌شوند. از مهم‌ترین مصادیق اشخاص حقوقی مؤثر در فرایند انتخابات نیز می‌توان به احزاب و جبهه‌های سیاسی اشاره کرد. در برخی از کشورها یکی از شرایط رأی دادن فقدان پیشینه کیفری در خصوص برخی از جرائم شدید است، لیکن در نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذار چنین موضوعی را برای انتخاب‌کنندگان شرط ندانسته و تنها به سه شرط تابعیت، سن و عقل اکتفا کرده است.^۱ باین حال، تنها در یک مورد، قانون‌گذار به موجب تبصره ۲ ماده ۳ قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۸، اشخاص حقیقی را که دارای محکومیت جرائم اقتصادی هستند، از تأمین و کمک مالی یا غیرمالی به نامزدهای انتخابات ممنوع کرده است. به نظر می‌رسد، تأثیر پیشینه کیفری احزاب و گروه‌های سیاسی در فرایند انتخابات را تنها در مصادیقی که دادگاه حسب مجازات صادرشده به موجب ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، حزب را به صورت موقت از یک یا چند حق قانونی در فرایند انتخابات از جمله ارائه فهرست انتخاباتی^۲، فعالیت تبلیغاتی^۳ یا ممنوعیت تأمین مالی یا غیرمالی نامزدهای انتخاباتی^۴ محروم کرده باشد، بتوان تصور کرد. انتخاب شدن به عنوان نماینده

۱. ماده ۳۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲.

۲. موضوع ماده ۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲.

۳. موضوع ماده ۷۱ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲.

۴. ماده ۳ قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۸.

مجلس شورای اسلامی یکی از مصادیق اصلی حقوق اجتماعی است. نمایندگان در مقایسه با سایر افراد باید دارای تعهد بیشتر و وفاداری به قانون و مبلّغ اجرایی شدن درست آن باشند؛ زیرا آن‌ها خود واضع قانون‌اند و از واضع قانون بیشتر از دیگران توقع رعایت قانون می‌رود. بنابراین، بی‌شک افراد ناقض اصل حاکمیت قانون ثابت کرده‌اند که حقوق سایر افراد، نظم، امنیت و رفاه عمومی چندان مورد احترام آن‌ها نیست. پس مسلّم و بدیهی است کسانی که در مقام تابع قانون، دست به نقض آن زده‌اند، قطعاً صلاحیت وضع قانون را نخواهند داشت (خسروی، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۱). فقدان پیشینه کیفری برای داوطلبان نمایندگی به صورت غالب در نظام‌های انتخاباتی کشورها شرط شده است. برای مثال، بر اساس بندهای ۸ تا ۱۱ از قسمت دوم قانون نمایندگی مصوب ۱۹۸۵ انگلستان، ورشکستگان اقتصادی که هنوز از زیر بار دیون خود رها نشده‌اند، محکومان به جرائم خیانت به کشور، کسانی که به بیش از سه ماه زندان محکوم شده‌اند، افراد دارای سابقه مشارکت در تقلب انتخاباتی و افراد دارای سابقه از دست دادن اموال عمومی به میزان بیش از دو هزار پوند (به تشخیص حسابرسان رسمی) نمی‌توانند در انتخابات سراسری به عنوان «نامزد» شرکت کنند (The Representation Of The People Act, 1951).

در آمریکا مشخصات شخصی داوطلب از قبیل جرائم کیفری و پرداخت‌های مالیاتی به عنوان عنصر تبلیغاتی می‌تواند در مرحله انتخاب، برای رأی‌دهندگان تعیین‌کننده باشد (Rasmus, 2019, p. 2)، اما قبل از آن و در مرحله ثبت نام، کمیسیون فدرال انتخابات^۱، صلاحیت داوطلبان را از حیث پرداخت‌های مالیاتی، پیشینه کیفری-اطلاعاتی و سلامت جسمانی-روانی مورد بررسی قرار خواهد داد (Dharra & Lavine, 2020, pp. 3-4). در فرانسه نیز بر اساس مفاد ماده ۳ قانون اساسی، کسانی که از حقوق سیاسی و مدنی برخوردارند، حق شرکت در انتخابات را دارند. بر اساس قوانین انتخاباتی فرانسه، کسانی که به حکم قاضی به علت پاره‌ای از تخلفات حقوقی و جرائم کیفری از حق شرکت در انتخابات محروم هستند، نمی‌توانند در فهرست انتخاباتی ثبت نام شوند (بزرگمهری، ۱۳۸۵، ص. ۴۸). با نگاه به قانون انتخابات ایران و همچنین، رویه‌های علمی بررسی صلاحیت داوطلبان، می‌توان گفت که پیشینه کیفری در فرایند انتخابات در دو مرحله تأثیرگذار است؛ مرحله ثبت نام از داوطلبان و مرحله بررسی صلاحیت آن‌ها. این موضوع را

1. Federal Election Commission (FEC)

می‌توان با تعمیق در انواع محکومیت‌های موضوع ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی^۱ و نیز بررسی رویه‌های تشخیص صلاحیت - که پیشینه کیفری را با شرایطی از مصادیق نقض قانون و عدم التزام به قانون اساسی یا در برخی از موارد احکام اسلام می‌داند - احراز کرد. از آنجاکه پرداختن به هر دو موضوع تحت تأثیر پیشینه کیفری، نیازمند مطالب و تحقیق جامع خود است، این مقاله تنها کوشیده است که به تأثیر پیشینه کیفری در مرحله ثبت نام از داوطلبان بپردازد و به ابهام‌های این موضوع پاسخ دهد.

۱. «ماده ۳۳: اشخاص زیر از داوطلب شدن نمایندگی مجلس محروم‌اند:

۱. کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش مؤثر داشته‌اند.
۲. ملاکین بزرگ که زمین‌های موات را به نام خود ثبت داده‌اند.
۳. عضویت یا وابستگی اداری یا تشکیلاتی به احزاب، سازمان‌ها، اشخاص حقوقی یا همکاری با اشخاص حقیقی یا حقوقی که علیه منافع و اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام می‌نمایند یا غیرقانونی بودن آن‌ها از سوی مراجع ذی صلاح اعلام شده است.
۴. کسانی که به جرم اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران محکوم شده‌اند.
۵. محکومین به ارتداد به حکم محاکم صالحه قضایی.
۶. مشهورین به فساد و متجاهرین به فسق و معتادین به مواد مخدر یا روان‌گردان.
۷. محکومین به حدود شرعی مگر آنکه توبه آنان ثابت شده باشد.
۸. محکومین قطعی به جرائم قاچاق انسان، مهمات، اسلحه، مواد مخدر، مواد روان‌گردان و مشروبات الکلی یا پول‌شویی و همچنین جرائم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی است.
۹. مجبورین و کسانی که به حکم دادگاه مشمول اصل چهل و نهم (۴۹) قانون اساسی باشند.
۱۰. نماینده قانونی اشخاص حقوقی موضوع ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی که به یکی از مجازات‌های انحلال شخص حقوقی یا مصادره اموال یا ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به‌طور دائم مطابق مواد ۲۰ و ۲۲ قانون مجازات اسلامی محکوم شده‌اند.
- تبصره: مراد از «نماینده قانونی شخص حقوقی»، شخصی است که به موجب قانون یا اساسنامه مسئولیت و اختیار اداره شخص حقوقی را دارد مانند مدیرعامل، هیئت‌مدیره یا عناوین مشابه.
۱۱. محکومین به خیانت و کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا و غصب اموال دیگران و محکومین به سوء استفاده مالی به حکم محاکم صالحه قضایی.
۱۲. اتباع ایرانی که اقامت دائم کشور دیگری را دارند یا تابعیت کشور دیگری را داشته یا دارند.
۱۳. محکومین قطعی به مجازات انفصال از خدمات دولتی و عمومی در زمان ثبت نام.»

۱.۲. تأثیر پیشینه کیفری بر مرحله ثبت نام از داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی

تأثیر پیشینه کیفری بر مرحله ثبت نام از داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی، به صورت محرومیت از ثبت نام برای انتخاب شدن خواهد بود و از آنجاکه نمایندگی مجلس شورای اسلامی از مصادیق حقوق اجتماعی محسوب می شود، در واقع، باید گفت که محرومیت از ثبت نام به معنای محرومیت از یک حق اجتماعی است. مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی از نظر فقهی، از نوع مجازات تعزیری و سالب حق است که به عنوان مجازات اصلی و تبعی (با عنوان محرومیت از حقوق اجتماعی - که مصداق آن در این پژوهش داوطلبی مجلس شورای اسلامی است - و انفصال از خدمات دولتی و عمومی) و در مواردی نیز به عنوان مجازات تکمیلی یا اقدام تأمینی و تربیتی (با عنوان انفصال از خدمات دولتی و عمومی) از سوی دادگاه صادر می شود. به طور کلی، می توان تأثیر پیشینه کیفری بر محرومیت از داوطلبی را از دو منظر مورد بررسی و تحلیل قرار داد. اول از جهت نوع و ماهیت مجازات محرومیت از داوطلبی و دوم از جهت مدت و زمان محرومیت از داوطلبی.

۱.۱.۲. محرومیت از داوطلبی حسب نوع و ماهیت آن

از آنجاکه محرومیت از داوطلبی در احکام کیفری مجازات محسوب می شود، تحلیل تأثیر این محرومیت بر فرایند انتخابات و مرحله ثبت نام مستلزم بررسی ماهیت این مجازات است. تحلیل محرومیت از داوطلبی مجلس شورای اسلامی گاه می تواند حسب طبقه بندی آن به عنوان مجازات اصلی، تبعی یا تکمیلی باشد و گاه متأثر از تفکیک میان مجازات قانونی و قضایی تحلیل شود.

الف. محرومیت از داوطلبی به عنوان مجازات اصلی، تبعی یا تکمیلی

محرومیت از حقوق اجتماعی در احکام کیفری (پیشینه کیفری) می تواند به سه صورت یعنی مجازات اصلی، مجازات تبعی یا مجازات تکمیلی تعیین شود. منظور از مجازات اصلی محرومیت از داوطلبی، محرومیتی است که قانون گذار به عنوان مجازات در قوانین جزایی، به طور مشخص به آن اشاره کرده است. از مصادیق این نوع محرومیت، مجازات محرومیت از داوطلبی در دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی برای ارتکاب جرائم موضوع مواد ۸۲ و ۸۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۴۰۲ است. بنابراین، قاضی موظف است که در تعیین مجازات برای اشخاصی که مرتکب یکی از جرائم مذکور شده باشند، محرومیت از دو دوره از داوطلبی

مجلس شورای اسلامی را به عنوان مجازات اصلی تعیین کند و از این جهت، اختیاری در انعطاف (تخفیف، تشدید و...) یا حذف آن ندارد.

مجازات تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی در مواردی است که علاوه بر مجازات اصلی جرم ارتكابی و به صورت خودبه خود و برای مدت معین بر محکوم بار می شود. مجازات تبعی برخلاف مجازات اصلی یا تکمیلی در دادنامه ذکر نمی شود (بهری و شکری، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۲). از این رو می توان مجازات تبعی را مجازاتی دانست که به موجب قانون و بدون نیاز به حکم قضایی به سبب ارتكاب جرم خاص یا محکومیت به ارتكاب جرم یا مجازات خاص یا تحمل مجازات خاص بر شخص بار می شود (رستمی غازانی و واعظی، ۱۳۹۰، ص. ۷۱). از مصادیق مهم مجازات تبعی محرومیت از داوطلبی نمایندگی، می توان به محرومیت تبعی ناشی از ارتكاب جرائم موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی و نیز جرائم موضوع ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره کرد. بنابراین، در صورتی که داوطلبی به یکی از مجازات بندهای الف، ب و پ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی محکوم شود، از حق اجتماعی نمایندگی مجلس شورای اسلامی موضوع بند الف ماده ۲۶ قانون مذکور محروم خواهد شد. این محرومیت همان چیزی است که در ادبیات حقوقی از حق آن به محکومیت کیفری مؤثر یاد می شود. از دیگر مصادیق مجازات تبعی محرومیت از حق داوطلبی، محکومیت به جرائم موضوع ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس است.

مجازات تکمیلی محرومیت از داوطلبی، مجازاتی است که به عنوان مجازات اصلی ذکر نشده، اما به عنوان یکی از ابزارهای تعیین مجازات در اختیار قاضی قرار داده شده است تا در صورت نیاز برای تکمیل مجازات اصلی برای مجرم وضع شود. مجازات تکمیلی علاوه بر مجازات اصلی، برحسب نوع و درجه محکومیت برای مرتکب پیش بینی شده است (زراعت، ۱۳۹۲، ج ۲، ص. ۱۱۶)، ولی انتخاب و اعمال آن به قضات محول شده است و باید ضمن صدور حکم محکومیت باشد^۱. به همین خاطر قانون گذار در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی به دادگاه این اختیار را داده است که اشخاصی را که محکوم به حد، قصاص یا تعزیر شده اند، با رعایت شرایط قانون، وضعیت متهم و متناسب با جرم ارتكابی به یک یا چند مورد از مجازات تکمیلی ذیل ماده مذکور محکوم

۱. نظریه شماره ۷/۲۵۳ مورخ ۱۳۷۸/۵/۳۰ اداره حقوقی قوه قضائیه.

کند. یکی از مصادیق مجازات تکمیلی در این ماده، «انفصال از خدمات دولتی و عمومی» است. نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیز از مصادیق خدمت دولتی یا عمومی محسوب می‌شود که محکومیت به انفصال از خدمات دولتی و عمومی، مانع داوطلبی برای نمایندگی خواهد بود. بند ۱۳ ماده ۳۳ نیز به صراحت محکومیت قطعی به انفصال از خدمات دولتی و عمومی را مانع ثبت‌نام دانسته است؛ اگرچه حکم انفصال از خدمات دولتی و عمومی می‌تواند به عنوان محکومیت اصلی نیز در دادنامه درج شود.

ب. محرومیت از داوطلبی به عنوان مجازات قانونی یا قضایی

منظور از مجازات قانونی، مجازات هر فعل یا ترک فعل مجرمانه است که در قانون به صورت صریح و کامل بیان شده است و قاضی باید همان نوع مجازات مصرح در قانون را اعمال کند. درحقیقت، مجازات قانونی یعنی همان تنبیه یا کیفری که قانون‌گذار برای عمل یا ترک عمل خاصی در متن قانون به آن تصریح کرده و قاضی موظف است دلایل خود را در حکم بیان کند (اردبیلی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص. ۱۵۵). از طرف دیگر، قانون به دادگاه و قاضی اختیار داده است با رعایت شرایط و مقررات و وضعیت خاص متهم، مجازات قانونی را به اشکال دیگری مانند تعلیق، تخفیف یا تشدید مجازات و آزادی مشروط تبدیل کند. در واقع، مجازات قضایی به معنی مجازات تعیین‌شده توسط قاضی در دادنامه است (الهام و برهانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۶). بنابراین، می‌توان گفت مجازات قانونی مبتنی بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات است؛ به طوری که مجازات هر جرمی باید دقیقاً همان مقدار و نوعی باشد که در قانون برای آن نص صریح وجود دارد، لیکن قانون در مجازات قضایی به دادگاه و قاضی اختیار داده است با رعایت شرایط و مقررات و وضعیت خاص متهم، مجازات قانونی را به شکل دیگری تبدیل کند.

از آنجاکه مجازات تکمیلی نیز به اختیار مقام دادرس گذاشته شده است، از مصادیق مجازات قضایی محسوب می‌شود و اختیار دیگری است که وفق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، قاضی در صورت اقتضا، حسب مورد می‌تواند از آن استفاده کند.

سؤال اساسی مطرح در این خصوص، این است که مطابق با قوانین، ملاک و معیار محرومیت از حق اجتماعی نمایندگی مجلس شورای اسلامی، کدام یک از انواع مجازات قانونی یا قضایی است؟ این اختلاف ناشی از تفاوت در منطوق میان ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی و بند ۸ ماده ۳۳

قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی است؛ توضیح اینکه، حقوق‌دانان مستند به سیاق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی که بر محکومیت مجرم تأکید کرده است، ملاک اعمال مجازات تبعی در ماده مذکور را معیار محکومیت و مجازات قضایی دانسته‌اند. از این منظر که تفسیر به نفع متهم محسوب می‌شود، ممکن است مجازات قانونی جرمی در قانون، حبس درجه ۵ باشد، اما در صورتی که دادگاه منطبق با مقررات با تخفیف مجازات قانونی در دادنامه، حبس درجه ۶ صادر کند، مجازات تبعی (محکومیت کیفری مؤثر) دیگر اعمال نخواهد شد (با توجه به اینکه مجازات تبعی محرومیت از داوطلبی در حبس‌های درجه ۵ به بالا آغاز می‌شود)، لیکن برخلاف این برداشت، قانون‌گذار در بند ۸ ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، معیار محرومیت از داوطلبی را محکومیت به «جرائم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی» است، دانسته است و از این جهت دایره شمول این محرومیت را توسعه داده و چه در ماده ۳۳ قانون انتخابات و چه در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ملاک محرومیت را عنوان مجرمانه مندرج در قانون و مجازات قانونی آن قلمداد کرده است؛ فارغ از هرگونه جهات تخفیف، تبدیل یا تغییر حکم. بدین معنا، هر عنوان مجرمانه‌ای که مجازات اصلی آن مشمول یکی از کیفرهای موضوع بندهای الف، ب و پ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی باشد، از داوطلبی برای نمایندگی محروم خواهد بود. به عبارت دیگر، جرائمی که مجازات اصلی آن‌ها سالب حیات، حبس ابد، قطع عضو، قصاص عضو، شلاق حدی، نفی بلد و حبس درجه ۴ و ۵ باشد، مانع ثبت‌نام داوطلبی برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی است. این معیار، مشمول محرومیت را توسعه داده است. در این رابطه ممکن است مجازات جرمی حبس درجه ۵ باشد، لیکن دادرس با اعمال کیفیات مخففه، مجازات حبس درجه شش را برای مرتکب صادر کند. چنین محکومی مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی نخواهد بود، لیکن مطابق با معیار اخیر بند ۸ ماده ۳۳ قانون انتخابات که ملاک محرومیت مجازات قانونی است، از ثبت‌نام داوطلبی برای نمایندگی بازخواهد ماند. لذا بند مذکور نسبت به ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی موسع بوده و دارای رابطه عموم و خصوص مطلق با آن است.

۲.۱.۲. محرومیت از داوطلبی حسب مدت و زمان آن

محرومیت از حقوق اجتماعی از جمله حق انتخاب شدن برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی،

می‌تواند به صورت همیشگی یا موقت باشد. گاه قانون‌گذار به جهت اهمیت جایگاه نمایندگی، ارتکاب برخی از جرائم مهم را موجب محرومیت همیشگی از حق اجتماعی نماینده شدن می‌داند و در جرائم یا سوابق کیفری کم‌اهمیت‌تر، این محرومیت را به صورت موقت و برای مدت معینی اعمال می‌کند.

الف. محرومیت همیشگی (دائم) از داوطلبی مجلس شورای اسلامی

اصل بر موقت بودن محدودیت یا محرومیت از حقوق اجتماعی است. با این حال، برخی از حقوق اجتماعی از جهت ارتباط با سایر حقوق اشخاص و جامعه دارای اهمیت و حساسیت هستند که وجود سابقه کیفری مهم باعث محرومیت دائمی مرتکب از آن حق اجتماعی می‌شود. از جمله این حقوق، حق اعمال ولایت، حاکمیت یا سیاست‌گذاری برای جامعه مانند ریاست جمهوری یا نمایندگی مجلس شورای اسلامی است. شاید به همین خاطر باشد که قانون‌گذار در تعیین مجازات تعزیری در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، تنها یکی از مصادیق حقوق اجتماعی که با حقوق مردم و حاکمیت مرتبط است؛ یعنی خدمات دولتی و عمومی را مشمول حکم انفصال دائم دانسته و محرومیت از حقوق اجتماعی دیگر را به صورت موقت تعیین کیفر کرده است. حکم تبصره ۲ ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مبنی بر محرومیت دائمی از مشاغل و مناصب مذکور بندهای الف، ب و پ ماده ۲۶ که نمایندگی مجلس شورای اسلامی جزو آنهاست و همگی از مصادیق خدمات دولتی و عمومی محسوب می‌شوند نیز مؤید این دیدگاه است. محرومیت دائمی از نمایندگی مجلس در پیشینه کیفری داوطلبان می‌تواند واجد دو منشأ باشد. اول، محرومیت دائمی که مجازات اصلی محسوب می‌شود و دوم، محرومیت دائمی که به عنوان مجازات تبعی اعمال می‌شود.

اول. محرومیت همیشگی ناشی از مجازات اصلی

در برخی از موارد قانون‌گذار، مجازات محرومیت از داوطلبی نمایندگی مجلس را به عنوان مجازات اصلی برای رفتار مجرمانه تعیین کرده است که به طور عمده تحت عنوان «انفصال دائم یا ابد از خدمات دولتی و عمومی» کیفرگذاری شده است که نمایندگی مجلس نیز یکی از مصادیق عمومی است. برای مثال، می‌توان به مجازات کلاهبرداری مشدد و اختلاس اشاره کرد که در آنها انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی به عنوان مجازات اصلی تعیین شده است. در جرائم تعزیری درجه ۴ نیز دادگاه می‌تواند به انفصال دائم از خدمات عمومی و دولتی به عنوان مجازات

اصلی حکم کند که در این صورت محکوم برای همیشه از داوطلبی برای نمایندگی مجلس محروم خواهد شد. همچنین در مواد ۱۷ و ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات اداری نیز چنین حکمی مقرر شده است.

دوم. محرومیت همیشگی ناشی از مجازات تبعی

همان‌طور که بیان شد، مجازات تبعی، مجازات اصلی رفتار مجرمانه نیست و به تبع نوع جرم یا میزان مجازات اصلی تعیین شده در دادنامه، برای محکوم اجرا می‌شود. موضوع مجازات تبعی نیز حقوق اجتماعی است. قانون‌گذار گاه حسب مجازات صادرشده در متن دادنامه (مجازات قضایی) و گاه حسب محکومیت بر اساس «عنوان مجرمانه»، محکوم را از داوطلبی و ثبت نام در داوطلبی برای نمایندگی محروم کرده است. مهم‌ترین مصداق برای مجازات تبعی محرومیت دائمی، محکومیت به مجازات بندهای الف، ب و پ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی است که در این صورت به استناد تبصره ۲ ماده ۲۶ همان قانون، به‌طور دائمی از حق اجتماعی نمایندگی مجلس محروم خواهد شد. همچنین، محکومیت به برخی از عناوین مجرمانه صرف‌نظر از مجازات تعیین شده در حکم، موجب محرومیت دائمی از نمایندگی داوطلبی است. به عبارت دیگر، محرومیت دائمی از نمایندگی، مجازات اصلی این جرائم نیست و به استناد قانون، چنین محرومیتی به تبع

۱. «ماده ۱۷: در موارد زیر کارمند به‌طور دائم از خدمات دولتی منفصل خواهد شد:

۱. عضویت در تشکیلات فراماسونری.

۲. عضویت در یکی از فرق ضاله که خارج از اسلام شناخته شده‌اند.

۳. مأمورین و منابع ساواک که فعالیت و یا گزارش ضد مردمی داشته‌اند.

۴. عضویت در سازمان‌هایی که مرام‌نامه یا اساسنامه آن‌ها مبتنی بر نفی ادیان الهی است و یا طرف‌داری و فعالیت مؤثر به نفع آن‌ها.

۵. عضویت در گروه‌های محارب یا طرف‌داری و فعالیت مؤثر به نفع آن‌ها.»

۲. ماده ۲۰: وزرای رژیم سابق و نمایندگان مجلسین و دبیران حزب رستاخیز در مراکز استان‌ها، مدیران کل حفاظت و رؤسای دوایر حفاظت و رمز و مجرمانه، بعد از خرداد ۱۳۴۲ که توسط هیئت‌های پاک‌سازی و یا بازسازی نیروی انسانی محکومیت قطعی نیافته‌اند و یا پرونده آنان تاکنون مورد رسیدگی قرار نگرفته [است]، از خدمت در دستگاه‌های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها به‌صورت دائم منفصل می‌گردند....

مجازات دیگر و به صورت دائمی خواهد بود. ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به دو شیوه مصداقی و مفهومی به عناوین مجرمانه‌ای که مانع ثبت نام از داوطلبی نمایندگی مجلس می‌شوند، اشاره کرده است. ارتداد، حدود شرعی، جرائم قاچاق انسان، مهمات، اسلحه، مواد مخدر و روان گردان و مشروبات الکلی، پول شویی، خیانت و کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا و غصب از مصادیق جرائمی هستند که موجب محرومیت دائم از نمایندگی مجلس می‌شوند. قانون گذار در مواردی نیز با ارائه یک مفهوم و معیار و بدون ذکر مصادیق، برخی از محکومیت‌ها را مانع داوطلبی دانسته است. قانون گذار از این شیوه در بند ۴ و قسمت اخیر بندهای ۸ و ۱۱ ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی استفاده کرده است. در بند ۴، به مفهوم «جرم اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی» اشاره شده است که منظور رفتارهای مجرمانه‌ای هستند که در آن مرتکب با قصد لازم نسبت به امنیت یا حاکمیت داخلی و خارجی کشور اقدام کرده است که بیشترین مصادیق این جرائم در فصل اول بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی بیان شده است. در بند ۸ نیز قانون گذار جرائم عمدی را که مجازات قانونی آن‌ها مشمول محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ است، مانع ثبت نام برای نمایندگی دانسته است. بر اساس موارد پیش گفته، معیار محرومیت از نمایندگی مجلس در این بند، «مجازات قانونی» جرائم است و نه مجازات قضایی صادر شده در دادنامه. همچنین در بند ۱۱ ماده ۳۳ قانون انتخابات، عبارت «سوءاستفاده مالی» ذکر شده است. چنین عنوان مجرمانه‌ای در قوانین وجود ندارد و معیار دقیقی برای تشخیص مصادیق نیست، لیکن با توجه به ذکر مهم ترین جرائم مشابه دیگر مانند اختلاس، کلاهبرداری، ارتشا و... به نظر می‌رسد منظور از سوءاستفاده مالی، سوءاستفاده از وجوه و اموال دولتی موضوع ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) باشد.

در خصوص این بخش، چند سؤال و ابهام قابل طرح است. اول اینکه، آیا ملاک در شمول حکم ماده ۳۳، محکومیت قطعی به جرائم ملاک است یا محکومیت‌های بدوی نیز مدنظر قانون گذار است؟ برخی معتقدند با وجود قرینه «محکومیت قطعی» در بندهای ۸ و ۱۳ ماده ۳۳ و نیز اصل عدم صلاحیت در موارد شک و تردید، منظور از محکومیت در سایر بندها شامل محکومیت بدوی نیز خواهد شد. در مقابل، عده‌ای بر این باورند که از آنجاکه محکومیت‌های بدوی در معرض نقض یا براءت هستند، باید حسب رعایت حقوق افراد تنها محکومیت قطعی نسبت به

جرائم را واجد آثار یا مجازات تبعی دانست؛ ضمن اینکه، محکومیت در ادبیات حقوقی و کیفری اطلاق ندارد و تنها انصراف به محکومیت قطعی است. به نظر می‌رسد جریان اصل عدم صلاحیت، امری «شخصی» است و باید در مواردی اعمال شود که نسبت به صلاحیت یک داوطلب خاص شک و تردید حاصل می‌شود، لیکن در مقام تردید نسبت به شمول یک حق برای عموم افراد که امری «نوعی» است، اصل بر تضمین حقوق اساسی اشخاص است. لذا در مقام تفسیر قانون که موجد تضییق یا توسعه یک حق عمومی است، اصل توسعه آن حق است.

دومین سؤال اینکه، با عنایت به ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی که قانون‌گذار اشعار داشته است در جنایات عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، دیه پرداخت می‌شود و قصاص صورت نمی‌پذیرد، آیا می‌توان مجازات اصلی فردی را که رأساً به دیه محکوم شده است، حسب ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی، قصاص عضو مذکور در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی دانست و فرد را برای همیشه از داوطلبی محروم کرد؟

برای پاسخ به این سؤال دو دیدگاه وجود دارد. برخی با تفسیر محدود و با استناد به ماده ۴۰۱ قانون مجازات اسلامی، قائل به این موضوع هستند که با توجه به اینکه قانون‌گذار در این ماده اشعار داشته است که در جنایات مأمومه، دامغه، جائفه، هاشمه، منقله، شکستگی استخوان و... قصاص ساقط است و مرتکب به دیه و تعزیر محکوم می‌شود، بنابراین، وفق این ماده، محکومیت به قصاص و محکومیت به دیه در جنایات عمدی، دو حکم مجزا است و آنچه در ماده ۲۵ مورد تأکید قرار گرفته، محکومین به قصاص بوده است و محکومین به دیه مشمول رد صلاحیت دائم نمی‌شوند.

دیدگاه دیگر در این زمینه می‌گوید که ماده ۴۰۱ را باید در امتداد ماده ۴۵۰ تفسیر کرد و محکومیت به دیه (رأساً) زمانی اتفاق می‌افتد که بر اساس انتهای ماده ۴۰۱ و ماده ۴۵۰، خوف سرایت وجود داشته باشد. بنابراین، محکومیت به قصاص در حکم مستتر است و فرد وفق ماده ۳۸۶ قانون مجازات اسلامی، به دلیل جنایت عمدی بر عضو، ابتدا به قصاص محکوم می‌شود که به دلیل خوف سرایت و نبود شرایط، باید دیه پرداخت کند. بنابراین، دو حکم مجزا نیستند و محکومین به دیه نیز مشمول حکم ماده ۲۵ قانون مجازات (محکومین به قصاص با میزان دیه مشخص) هستند و از داوطلبی برای همیشه محروم خواهند شد. درعین حال، این دیدگاه معتقد

است که سایر قرائن قانون‌نویسی همچون ماده ۳۰۲ آیین دادرسی کیفری که رسیدگی به جنایت با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن را در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار داده است، موضوع را به این دریافت متبادر می‌سازد که برای قانون‌گذار، صرف محکومیت به دیه در جنایات عمدی اهمیت داشته است؛ البته به عقیده نگارندگان، با آنکه دیدگاه دوم (موسع) به حقیقت نزدیک‌تر است، اما اطلاق این حکم در مواردی که جنایت عمدی منجر به دیه بسیار ناچیز می‌شود (با توجه به وجود پرونده‌های قضایی متعدد - در این میزان از جرم - که در محاکم دادگستری به علت سهل‌انگاری افراد در مراودات با یکدیگر تشکیل شده است)، صحیح نیست و از این حیث، به نظر می‌رسد بند پ ماده ۲۵ که محکومیت به دیه را به هر مقداری با توجه به تبصره ماده ۲۶ مشمول محرومیت دائم دانسته است، نیاز به اصلاح دارد.

در مقایسه و تدقیق در بندهای ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس، نکات زیر مورد توجه است.

۱. با توجه به صراحت بند ۷ ماده ۳۳ در مورد اطلاق حدود، به نظر می‌رسد اکتفای قانون‌گذار در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی به شلاق حدی، اختصار دارد و بهتر است با توجه به جایگاه خطیر نمایندگی مجلس شورای اسلامی، مطلق حدود^۱ در نظر گرفته شود؛ اگرچه ظاهراً بند پ ماده ۲۵ با بند ۷ ماده ۳۳ کامل می‌شود.^۲ در عین حال، باب توبه نیز در ماده ۳۳ لحاظ شده که در ماده ۲۵ اشاره‌ای بدان نشده است. بنابراین، به نظر می‌رسد امکان توبه در ماده ۲۵ و با توجه به وجوه شرعی در ظاهر ماده، حذف به قرینه شده و مستتر است.

۲. در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، تحقق هریک از محکومیت‌های مذکور موجب محرومیت دائم می‌شود، لیکن استثنائاً مجازات حبس در صورتی موجب محرومیت دائم می‌شود که در درجات یک تا پنج باشد؛ یعنی بیش از دو سال (خود دو را شامل نمی‌شود). در صورتی که دامنه مجازات یک عنوان مجرمانه بین حبس درجه ۵ و ۶ در دوران باشد، بر اساس نص

۱. جرائم موجب حد در کتاب دوم حدود از مواد ۲۱۷ تا ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ عبارت‌اند از زنا،

لواط، تفخیز، مساقحه، قوادی، قذف، سب نبی، مصرف مسکر، سرقت حدی، محاربه و بغی و افساد فی الارض.

۲. بند ۷ ماده ۳۳: «محکومین به حدود شرعی به شرط آنکه توبه آنان ثابت نشده باشد».

قانون مجازات اسلامی^۱، حبس درجه ۵ لحاظ می‌شود و فرد از داوطلبی محروم خواهد شد.
۳. منظور از توبه در بند ۷ ماده ۳۳، توبه واقعی است که اثبات آن سخت است، اما بر اساس نظر شارع، قانون‌گذار آن را مدنظر قرار داده است.

۴. در مورد بند ۹ ماده ۳۳، مقتضی است حکم صادره توسط دادگاه‌های مرتبط با اصل ۴۹ صادر شده باشد نه دادگاه‌های عادی. بنابراین، هرکس به حکم دادگاه و بر اساس اصل ۴۹ قانون اساسی^۲، ثروت نامشروعی به دست آورده باشد، به‌صورت دائم از داوطلبی مجلس شورای اسلامی محروم می‌شود.

۵. در مورد محکومین بند ۱۱ ماده ۳۳، منظور مدنظر قانون‌گذار از کلمه «خیانت» با توجه به مالی بودن این فراز، عنوان مجرمانه خیانت در امانت بوده است.

۶. با توجه به تبعی بودن کیفر مندرج در بندهای ماده ۳۳ قانون انتخابات مجلس مانند ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، نیازی به تصریح محرومیت در حکم صادره نیست و صرف ارتکاب عناوین مجرمانه مذکور، محرومیت دائم از داوطلبی به‌خودی‌خود شامل حال فرد خواهد شد.

۷. شایان ذکر است که در سیاست‌های کلی انتخابات، بر سلامت اقتصادی و اخلاقی داوطلبان به‌نحو ویژه تأکید شده است. از این‌رو قانون‌گذار موظف است سایر موارد جرائم اقتصادی و اخلاقی را نیز به‌عنوان موارد محرومیت از انتخاب شدن تعیین کند و چون تعداد مصادیق این جرائم زیاد است، بهتر بود [به‌جای جزئی‌نگری و قانون‌گذاری مصداقی] «محکومیت قطعی به یکی از جرائم اقتصادی و اخلاقی» را به‌عنوان یکی از شروط سلبی تعیین می‌کرد (طحان نظیف و قلیچ‌پور، ۱۴۰۰، ص. ۳۷).

۸. در این پژوهش آنچه مورد بررسی است، جرائم عمدی است. بنابراین، اگر جرائم غیرعمدی

۱. تبصره ۲ ماده ۱۹: مجازاتی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود.

۲. اصل ۴۹: دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به‌وسیله دولت اجرا شود.

مورد بحث واقع شوند، موضوع رد صلاحیت افراد قرار نمی‌گیرند و وفق ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی تأکید کرده است که جرائم موضوع ماده باید حتماً عمدی باشند^۱. بنابراین، جرائمی مورد نظر است که در آن هم عنصر علم و هم عنصر اراده وجود داشته باشد. بحث عمدی بودن وفق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی شامل مجازات قضایی (تکمیلی) نخواهد شد، اما بر اساس ماده ۲۵ همین قانون شامل مجازات قانونی (تبعی) می‌شود. مثلاً اگر کسی بر اثر سهل‌انگاری به ۳ سال حبس محکوم شود، با توجه به اینکه حبس مجازاتی اصلی و جرم ارتكابی نیز غیرعمدی بوده است، مشمول محرومیت اجتماعی (مجازات تبعی) ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی نخواهد شد، اما همین فرد در صورتی که با نظر قاضی به مجازات تکمیلی دو سال محرومیت از خدمات عمومی و دولتی محکوم شود، با وجود غیرعمدی بودن، اما امکان داوطلبی نمایندگی مجلس را در طول مدت محرومیت نخواهد داشت.

ب. محرومیت موقت از داوطلبی برای مجلس شورای اسلامی

در برخی از موارد پیشینه کیفری و محکومیت موجب محرومیت موقت فرد از ثبت‌نام برای داوطلبی نمایندگی خواهد بود. در چنین حالتی، پس از اتمام دوره محکومیت، داوطلب می‌تواند حقوق اجتماعی خود را بازیابی کند. قانون‌گذار گاه این محرومیت موقت را به‌عنوان مجازات اصلی و گاه نیز به اختیار دادگاه و به‌عنوان مجازات تکمیلی در نظر گرفته است.

اول. محرومیت موقت ناشی از مجازات اصلی

رویه قانون‌گذار در این خصوص را می‌توان به سه شیوه شناسایی کرد. گاه قانون‌گذار محرومیت موقت یا انفصال موقت از مشاغل و خدمات دولتی را با ارجاع مجازات رفتار مجرمانه به درجات تعزیری ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی تعیین کرده است. در برخی از موارد نیز این محرومیت موقت به‌عنوان مجازات اصلی و در ذیل رفتار مجرمانه در مواد قانونی بیان شده است. قانون‌گذار رویه سومی را نیز اختیار کرده است که در آن به‌صراحت «محرومیت موقت از داوطلبی مجلس شورای اسلامی» به‌عنوان مجازات اصلی تعیین شده است. در شیوه اول، محرومیت موقت از

۱. محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده، محکوم را از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند.

نمایندگی یا خدمات دولتی بر اساس انگیزه، سوء پیشینه، شخصیت مرتکب و...، از گزینه‌های دادرس برای تعیین کیفر است، لیکن در شیوه‌های دوم و سوم، صدور این محرومیت موقت از داوطلبی مجلس قطعی و الزامی است. در شیوه اول، محرومیت از حقوق اجتماعی از درجه ۵ تا ۷ از نوع مجازات تعزیری از حداقل ۶ ماه تا حداکثر ۱۵ سال در نظر گرفته شده است. دادگاه باید در قبال جرائم مذکور، به استناد مواد قانونی، شخص مجرم را به جرائم مندرج در هر درجه محکوم کند که این محکومیت می‌تواند محرومیت از حقوق اجتماعی باشد، لیکن قانون‌گذار در شیوه دوم در برخی از جرائم و به‌عنوان مجازات اصلی، محرومیت موقت را تحت عناوین کلی مانند انفصال موقت از خدمات یا مشاغل دولتی در نظر گرفته است. از آنجاکه نمایندگی مجلس شورای اسلامی از مصادیق خدمات یا مشاغل دولتی محسوب می‌شود، این محرومیت از داوطلبی برای محکوم نیز لحاظ خواهد شد. برای مثال، می‌توان به مجازات جرائم موضوع مواد ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۶ و ۶۰۱ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد.

همچنین، از مهم‌ترین مصادیق شیوه سوم برای محرومیت موقت، می‌توان به مجازات ارتکاب رفتارهای موضوع مواد ۸۲ و ۸۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که در آن محرومیت از داوطلبی در دو دوره نمایندگی مجلس در کنار مجازات درجه شش ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی (به‌استثنای حبس)، به‌عنوان مجازات اصلی و الزامی در نظر گرفته شده است. در هاشم این مواد، نکته مهم این است که در واقع، در بطن مجازات مذکور، دو مجازات اصلی محرومیت از داوطلبی نهفته است. اولی حکم مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی در مورد تعزیر درجه ششم به‌استثنای حبس (محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال) و دومی حکم انتهای خود مواد ۸۲ و ۸۳ (محرومیت از داوطلبی در دو دوره نمایندگی) که به نظر می‌رسد دادرس نمی‌تواند به دو مجازات مشابه در موضوع «محرومیت از حقوق اجتماعی» حکم صادر کند و تنها باید به همان محرومیت از دو دوره از نمایندگی به‌عنوان مصداق «محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال» به‌عنوان درجه شش بسنده کند. این موضوع با اصول تفسیر مقررات جزایی به نفع متهم و منع مجازات مضاعف هماهنگی بیشتری دارد.

دوم. محرومیت موقت ناشی از مجازات تکمیلی (تیمیمی)

مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی از نوع تکمیلی در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی بیان شده

است. بر اساس ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات تکمیلی محکوم کند». هدف اصلی از وضع مجازات تکمیلی اثربخشی بیشتر و کمک به اصلاح رفتار مجرمان است (صالحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۳).

حسب بند ت ماده مذکور، قاضی می‌تواند حکم به انفصال از خدمات دولتی و عمومی را به‌عنوان مجازات تکمیلی صادر کند که در این صورت محکوم، از داوطلبی برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی محروم خواهد شد؛ البته باید توجه شود که بر اساس تبصره ماده ۲۳، حداکثر طول مدت این مجازات تا دو سال است. وفق نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه^۱، شروع دوره محرومیت از حقوق اجتماعی ممکن است از زمان صدور حکم قطعی و در کنار مجازات جرم اصلی آغاز شود و زمان اجرای آن نیز از زمان قطعیت حکم و اجرای مجازات اصلی باشد و چنانچه اجرای هم‌زمان میسر نباشد، پس از اجرای حکم اصلی شروع می‌شود. بنابراین، تشخیص آغاز و پایان مجازات تکمیلی جهت تعیین چشم‌انداز فعالیت‌های سیاسی افراد و امکان داوطلبی برای نمایندگی مجلس، برای شخص داوطلب و هیئت‌های اجرایی و نظارت دارای اهمیت است.

نتیجه‌گیری

در قوانین جزایی ایران قبل و بعد از انقلاب، محرومیت از داوطلبی انتخابات مجلس ذیل محرومیت از حقوق اجتماعی تعریف و در ردیف مجازات به آن اشاره شده است. سپس این مجازات به انواع تبعی، تکمیلی و اقدامات تأمینی و حتی به‌صورت مجازات مستقل تدوین و اعمال

۱. نظریه مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۹: اصولاً احکام پس از قطعیت قابلیت اجرایی می‌یابند و در چگونگی اجرای مجازات تکمیلی در کنار مجازات اصلی، چنانچه مجازات تکمیلی هم‌زمان با مجازات اصلی قابل اجرا باشد (از قبیل حبس و منع از داشتن دسته‌چک)، اجرا به‌نحو هم‌زمان صورت می‌گیرد و چنانچه اجرای هم‌زمان مجازات اصلی و تکمیلی میسر نباشد (مانند مجازات اصلی حبس و مجازات تکمیلی انفصال موقت از خدمت دولتی یا عمومی)، وفق ماده ۵۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱ «آیین‌نامه راجع به اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۷»، اجرای مجازات تکمیلی «از زمان پایان یافتن مجازات حبس» و «بعد از اجرای حکم اصلی» شروع می‌شود.

شده است. درعین حال، بررسی حقوقی و دقیق مفهوم محرومیت از حقوق اجتماعی به صورت خاص در حوزه داوطلبی مجلس شورای اسلامی و تبیین مصادیق آن ضروری است تا با شفافیت حقوقی، حق انتخاب شدن اشخاص و به ویژه محکومان تضییع نشود. در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و قانون مجازات اسلامی، محکومان به حدود شرعی، فساد اداری، قاچاقچیان مواد مخدر و معتادان به مواد مخدر، از حق اجتماعی شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی به عنوان کاندیدا محروم شده‌اند.

نگاه به ماده ۳۳ قانون انتخابات، گویای آن است که برخی از محکومان از حق داوطلبی مجلس به طور دائمی محروم‌اند. در کنار این سند خاص، در قانون مجازات اسلامی به عنوان سند مادر در حوزه کیفر خاطیان و مجرمان، در مواد ۲۵ و ۲۶ مواردی آمده است که با نداشتن سوء پیشینه کیفری برای ثبت نام به عنوان داوطلب مرتبط است. در ماده ۲۵ به بازه زمانی محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محکومان جرائم عمدی اشاره شده است. در ادامه، در ماده ۲۶، از جمله مصادیق حقوق اجتماعی «داوطلب شدن در انتخابات مجلس شورای اسلامی» ذکر شده است که مطابق تبصره ۲ همان ماده، محکومیت به مجازات تبعی ماده ۲۵ باعث محرومیت دائم داوطلب نمایندگی مجلس می شود. بر اساس یافته های این پژوهش، ملاحظه می شود که قانون گذار عادی ایران مانند بسیاری از کشورها، محکومان به برخی جرائم را از شرکت در انتخابات مجلس شورا به عنوان داوطلب به صورت دائم محروم کرده است.

در این پژوهش سعی شده است برای اولین بار درباره تأثیر پیشینه کیفری بر محرومیت از داوطلبی مجلس شورای اسلامی مذاقه و ضوابط این محرومیت در مرحله ثبت نام بیان شود. این امر باعث می شود تا از نگاه بخشی و غیرساختاری جلوگیری شود و درعین حال، با آگاهی بخشیدن به افراد متقاضی داوطلبی، در وقت و زمان آنان و برگزارکنندگان انتخابات صرفه جویی شود و از حجم ثبت نام هایی که ناروا انجام می شود، کاسته شود.

منابع

- ۱) اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۶). حقوق جزای عمومی (جلد ۲). چاپ ۳، تهران: میزان.
- ۲) باهری، محمد و شکری، رضا (۱۳۸۹). نگرشی بر حقوق جزای عمومی (مجموعه تقریرات محمد باهری و میرزاعلی اکبر داور). چاپ ۳، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۳) بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی ریاست‌جمهوری ایران و فرانسه. مجله حقوق اساسی، ۴ (۶۷)، صص. ۴۵-۵۶.
- ۴) پورقهرمانی، بابک و تیموری، مهرداد (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی نهاد سجل قضایی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه. مجله حقوق تطبیقی، ۶ (۱)، صص. ۵۹-۷۹. doi: 10.22080/lps.2022.23615.1343
- ۵) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). وسیط در ترمینولوژی حقوق. چاپ ۳، تهران: گنج دانش.
- ۶) خسروی، حسن (۱۳۸۷). حقوق انتخابات دمکراتیک. چاپ ۱، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۷) رستمی غازانی، امید و واعظی، امید (۱۳۹۰). مجازات تبعی در فقه امامیه. مجله دیدگاه حقوق قضایی، ۲ (۲)، صص. ۶۵-۹۳.
- ۸) رضایی‌زاده، محمدجواد و داوری، محسن (۱۳۹۵). مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی. مجله دانش حقوق عمومی، ۵ (۱۴)، صص. ۱۱۷-۱۴۲.
- ۹) زارعی، محمدحسین (۱۳۷۶). تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون. تهران: مدیریت دولتی.
- ۱۰) زراعت، عباس (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی (جلد ۲)، تهران: جنگل.
- ۱۱) شریفی، ماهرخ و رجبیه، محمدحسین (۱۳۹۵). بررسی سجل کیفری و عدم سوء پیشینه در حقوق ایران. مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۲ (۲)، صص. ۱۹-۲۹.
- ۱۲) صالحی مقدم، مهدی، حسینی، شهربانو و اصغری، عبدالرضا (۱۳۹۸). چالش‌های فقهی تحمیل مجازات‌های تبعی و تکمیلی بر مرتکبان جرائم حدی و قصاص. مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۶ (۱)، صص. ۱۵۷-۱۸۶.
- ۱۳) طحان‌نظیف، هادی و قلیچ‌پور، سجاد (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس در پرتو قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۰ (۱).
- ۱۴) عباسی لاهیجی، بیژن، باقری خوزانی، محمدحسن و فراهانی، محمدصادق (۱۴۰۲). تأملی بر شاخصه‌های تضمین شفافیت مربوط به نامزدها، مجری و ناظر انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۴ (۱)، صص. ۵۲-۲۹. doi: 10.30497/law.2023.243778.3324

- ۱۵) عباسی، بیژن و جعفری، مصطفی (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی. مجله حقوق تطبیقی، ۲ (۲)، صص. ۱۱۵-۱۳۲.
- ۱۶) قیصری، نورالله، طاهری فدافن، دانیال و باقری فارسانی، مهدی (۱۳۹۴). مدیریت انتخابات در ایران، کیفیت و ارزیابی اجرا. مجله پژوهش راهبردی سیاست، ۴ (۱۳)، صص. ۱۰-۳۴.
- ۱۷) گرجی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). عدالت رویه‌ای و تحول‌گرایی در لایحه آیین دادرسی دیوان عدالت اداری. مجله پژوهش حقوق، ۲ (۲)، صص. ۳۵۲-۳۸۶.
- ۱۸) معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی. تهران: ساحل.
- ۱۹) منصوریان، مصطفی و باقری خوزانی، محمدحسن (۱۴۰۳). قلمرو صلاحیت قانون‌گذار عادی در تعیین شرایط نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی؛ رویه شورای نگهبان در بوطه نقد. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۶ (۲)، صص. ۱-۲۴. doi: 10.30497/law.2024.245864.3499
- ۲۰) منصوری‌نیا، زینب (۱۴۰۰). اصل حاکمیت قانون در سازمان‌های اداری. تهران: قانون‌یار.
- ۲۱) هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: میزان.
- ۲۲) الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۲). درآمدی بر حقوق جزای عمومی (واکنش در برابر جرم). چاپ ۱، تهران: میزان.
- ۲۳) یاوری، اسدالله (۱۳۹۶). بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان؛ تأملی دیگر. مجله تحقیقات حقوقی، ۲۰ (۴)، صص. ۲۱۳-۲۳۷. doi: 10.22034/jlr.2018.111274.1050

- 24) Dharia, Megha, & Lavine, Rikki. (2020). What should presidential candidates tell us about themselves? Proposals for improving transparency in presidential campaigns. Fordham University, 1-39.
- 25) Pedersen, Rasmus T. (2019). Voter reactions to candidate background characteristics depend on candidate policy positions. Electoral Studies, 1-8.
- 26) The Representation of the People Act, 1951. An Act to provide for the conduct of elections to the Houses of Parliament (UN) and to the House or Houses of the Legislature of each State, 17th July, 1951. Available at: <https://ceodelhi.gov.in/WriteReadData/ManualElectionLaw/REPRESENTATION%20OF%20THE%20PEOPLE%20ACT,%201950.pdf>

References

- 1) Abbasi Lahiji, Bizhan, Bagheri Khouzani, Mohammad Hasan & Farahani, Mohammad Sadegh (1402 SH/2023). Ta'ammuli bar Shākhiṣahhā-ye Taẓmīn-e Shafāfiyat-e Marbūṭ bih Nāmzadhā, Mujrī va Nāẓir-e Intikhābāt-e Majlis-e Shūrā-ye Islāmī; Bā Ta'kid bar Siyāsathā-ye Kullī-ye Intikhābāt [A Reflection on Indicators of Guaranteeing Transparency in Relation to Candidates, Executive and Supervisor of Parliamentary Elections in Iran; with an Emphasis on General Policies of Elections]. Pazhuheshnameh Hoquq-e Eslami [Journal of Islamic Law Research], 24(1), pp. 29-52. doi: 10.30497/law.2023.243778.3324 [in Persian].
- 2) Abbasi, Bijan & Jafari, Mostafa (1390 SH/2011). Barrasī-ye Taṭbīqī-ye Sharāyiṭ-e Intikhāb-kunandagān va Intikhāb-shavandagān dar Nizām-e Intikhābātī-ye Majālis-e Īrān va Mālizi [Comparative Study of the Conditions of Electors and Elected Candidates in the Parliamentary Electoral Systems of Iran and Malaysia]. Majalleh Hoquq-e Tatbiqi [Comparative Law Journal], 2(2), pp. 115-132 [in Persian].
- 3) Ardebili, Mohammad Ali (1386 SH/2007). Huqūq-e Jazā-ye 'Umūmī (Vol. 2) [General Criminal Law] (3rd ed.). Tehran: Mizan [in Persian].
- 4) Baheri, Mohammad & Shokri, Reza (1389 SH/2010). Nigarishi bar Huqūq-e Jazā-ye 'Umūmī (Majmū'ah-ye Taqrīrāt-e Muḥammad Bāhiri va Mīrzā 'Alī Akbar Dāvar) [An Approach to General Criminal Law (Collection of Lectures by Mohammad Baheri and Mirza Ali Akbar Davar)] (3rd ed.). Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly [in Persian].
- 5) Bozorgmehri, Majid (1385 SH/2006). Barrasī-ye Taṭbīqī-ye Sharāyiṭ-e Intikhāb-kunandagān va Intikhāb-shavandagān dar Nizām-e Intikhābātī-ye Riyāsāt-Jumhūrī-ye Īrān va Farānsah [Comparative Study of the Conditions of Electors and Elected Candidates in the Presidential Electoral Systems of Iran and France]. Majalleh Hoquq-e Asasi [Constitutional Law Journal], 4(67), pp. 45-56 [in Persian].
- 6) Dharia, Megha, & Lavine, Rikki. (2020). What should presidential candidates tell us about themselves? Proposals for improving transparency in presidential campaigns. Fordham University, 1-39.
- 7) Elham, Gholamhossein & Borhani, Mohsen (1392 SH/2013). Darāmadī bar Huqūq-e Jazā-ye 'Umūmī (Vākunesh dar Barābar-e Jurm) [An Introduction to General Criminal Law (Reaction to Crime)] (1st ed.). Tehran: Mizan [in Persian].
- 8) Gheysari, Nourollah, Taheri Fadafeen, Danial & Bagheri Farsani, Mehdi (1394 SH/2015). Mudiriyyat-e Intikhābāt dar Īrān, Kayfiyat va Arzyābi-ye Ijra [Election Management in Iran, Quality and Evaluation of Implementation]. Majalleh Pazhuhesh-e Rahbordi-ye Siasat [Strategic Policy Research Journal], 4(13), pp. 10-34 [in Persian].
- 9) Gorji, Ali Akbar (1389 SH/2010). 'Adālat-e Ravīyah'i va Tahavvulgarāyi dar Lāyihah-ye Āyin-e Dādrasī-ye Dīvān-e 'Adālat-e Idārī [Procedural Justice and Transformationalism in the Administrative Justice Court Procedure Bill]. Majalleh Pazhuhesh-e Hoquq [Law Research Journal], 2(2), pp. 352-386 [in Persian].

- 10) Hashemi, Seyyed Mohammad (1384 SH/2005). *Huqūq-e Bashār va Āzādihā-ye Asāsī* [Human Rights and Fundamental Freedoms]. Tehran: Mizan [in Persian].
- 11) Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1378 SH/1999). *Vasīṭ dar Tirmīnūlūzhī-ye Huqūq* [Vasit in Terminology of Law] (3rd ed.). Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
- 12) Khosravi, Hasan (1387 SH/2008). *Huqūq-e Intikhābāt-e Dimukrātik* [Democratic Election Law] (1st ed.). Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly [in Persian].
- 13) Mansourian, Mostafa & Bagheri Khouzani, Mohammad Hasan (1403 SH/2024). *Qalamraw-e Ṣalāhiyat-e Qānūnguzār-e ‘Ādī dar Ta’yīn-e Sharāyīṭ-e Nāmzadhā-ye Intikhābāt-e Majlis-e Shūrā-ye Islāmī; Ravīyah-ye Shūrā-ye Nighāhbān dar Būtah-ye Naqd* [The Scope of Authority of Iran's Ordinary Legislator in Determining the Eligibility Conditions for Candidates in the Islamic Consultative Assembly Elections: A Critical Review of the Guardian Council's Approach]. *Pazhuheshnameh Hoquq-e Eslami* [Journal of Islamic Law Research], 26(2), pp. 1-24. doi: 10.30497/law.2024.245864.3499 [in Persian].
- 14) Mansourinia, Zeynab (1400 SH/2021). *Aṣl-e Ḥākimiyyat-e Qānūn dar Sāzmānhā-ye Idārī* [The Principle of the Rule of Law in Administrative Organizations]. Tehran: Qanounyar [in Persian].
- 15) Moin, Mohammad (1387 SH/2008). *Farhang-e Fārsī* [Persian Dictionary]. Tehran: Sahel [in Persian].
- 16) Pedersen, Rasmus T. (2019). Voter reactions to candidate background characteristics depend on candidate policy positions. *Electoral Studies*, 1-8.
- 17) Pourghahremani, Babak & Teymouri, Mehrdad (1401 SH/2022). *Muṭāla‘ah-ye Taṭbīqī-ye Nahād-e Sijill-e Qazāyī dar Huqūq-e Islām, Īrān va Farānsah* [Comparative Study of the Institution of Judicial Record in the Law of Islam, Iran, and France]. *Majalleh Hoquq-e Tatbiqi* [Comparative Law Journal], 6(1), pp. 59-79. doi: 10.22080/lps.2022.23615.1343 [in Persian].
- 18) Rezaeizadeh, Mohammad Javad & Davari, Mohsen (1395 SH/2016). *Mabānī va Uṣūl-e Tashkhiṣ-e Ṣalāhiyat-e Namāyandagī-ye Majlis-e Shūrā-ye Islāmī* [Fundamentals and Principles of Determining the Competency for Representation in the Islamic Consultative Assembly]. *Majalleh Danesh-e Hoquq-e Omoumi* [Public Law Knowledge Journal], 5(14), pp. 117-142 [in Persian].
- 19) Rostami Ghazani, Omid & Vaezi, Omid (1390 SH/2011). *Mujāzāt-e Taba‘ī dar Fiqh-e Imāmīyah* [Consequential Punishment in Imami Jurisprudence]. *Majalleh Didgah-e Hoquq-e Qazaei* [Journal of Judicial Law Perspectives], No. 2, pp. 65-93 [in Persian].
- 20) Salehi Moghaddam, Mehdi, Hosseini, Shahrbanoo & Asghari, Abdolreza (1398 SH/2019). *Chālīshhā-ye Fiqhī-ye Taḥmīl-e Mujāzāthā-ye Taba‘ī va Takmīlī bar Murtakibān-e Jarāyim-e Ḥaddī va Qīṣās* [Jurisprudential Challenges of Imposing Consequential and Complementary Punishments on Perpetrators of Hudud and Qisas Crimes]. *Majalleh Amouzeh-ha-ye Hoquq-e Keyfari* [Criminal Law Doctrines Journal], No. 16, pp. 157-186 [in Persian].

- 21) Sharifi, Mahrokh & Rajabiyeh, Mohammad Hossein (1395 SH/2016). Barrasī-ye Sijill-e Kayfarī va 'Adam-e Sū'-e Pishinah dar Ḥuqūq-e Īrān [A Review of Criminal Records and Clean Record Certificates in Iranian Law]. Majalleh Motaleat-e Oloum-e Siasi, Hoquq va Feqh [Journal of Political Science, Law and Jurisprudence Studies], 2(2), pp. 19-29 [in Persian].
- 22) Tahan Nazif, Hadi & Ghelichpour, Sajjad (1400 SH/2021). Āsībshināsī-ye Ta'yīn-e Sharāyīṭ-e Dāvtalabān-e Namāyandagī-ye Majlis dar Partaw-e Qānūn-e Asāsī va Siyāsathā-ye Kullī-ye Intikhābāt [Pathology of Determining the Conditions of Parliamentary Candidates in Light of the Constitution and General Election Policies]. Faslnameh Danesh-e Hoquq-e Omoumi [Public Law Knowledge Quarterly], 10(1) [in Persian].
- 23) The Representation of the People Act, 1951. An Act to provide for the conduct of elections to the Houses of Parliament (UN) and to the House or Houses of the Legislature of each State, 17th July, 1951. Available at: <https://ceodelhi.gov.in/WriteReadData/ManualElectionLaw/REPRESENTATION%20OF%20THE%20PEOPLE%20ACT,%201950.pdf>
- 24) Yavari, Asadollah (1396 SH/2017). Barrasī-ye Ṣalāḥīyat-e Nāmzadhā-ye Intikhābāt Tavassuṭ-e Shūrā-ye Nighahbān; Ta'ammulī Dīgar [Review of Candidates' Qualifications by the Guardian Council; Another Reflection]. Majalleh Tahqiqat-e Hoquqi [Legal Research Journal], 20(4), pp. 213-237. doi: 10.22034/jlr.2018.111274.1050 [in Persian].
- 25) Zarei, Mohammad Hossein (1376 SH/1997). Taḥlīlī az Payvand-e Ḥuqūq-e Idārī va Mudirīyat-e Dawlatī bar Pāyah-ye Ḥākīmīyat-e Qānūn [An Analysis of the Link Between Administrative Law and Public Administration Based on the Rule of Law]. Tehran: Modiriyat-e Dolati [in Persian].
- 26) Zeraat, Abbas (1392 SH/2013). Ḥuqūq-e Jazā-ye 'Umūmī (Vol. 2) [General Criminal Law]. Tehran: Jangal [in Persian].